کیهان

پنجشنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۳ □ ۱۴ شعبان ۱۴۴۶ □ ۱۳ فوریه ۲۰۲۵ □ شماره ۲۳۷۹۵

صفحه آخر

اذان ظهر: ۱۲/۱۸، اذان مغرب: ۱۸/۰۳، نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۳۶، اذان صبح(فردا): ۵/۲۸، طلوع آفتاب(فردا): ۶/۵۲

زن ۵۲ ساله سوئدی به جرم برده‌داری به زندان رفت

سوئد یک زن ۵۲ ساله تبعه این کشور را به دلیل نگهداری از «بردگانِ ایزدی» به ۱۲ سال حبس محکوم کرد.

دادگاهی در سوئد، زنی را به اتهام نگهداری بردگان جنسی ایزدی به حبس محکوم کرد. این زن به اتهام کمک به نسل‌کُشی به علتِ نگهداری زنان و کودکان ایزدی به عنوان برده در خانه خود به ۱۲ سال زندان محکوم شده است. نام این زن سوئدی، «لینا اسحاق» است که ۵۲ سال سن دارد.

این زن متهم شده است که، بردگان جنسی را به مدت ۵ ماه در خانه خود به اجبار نگه داشته است. او در سال ۲۰۲۲ توسط دادگاه سوئد به دلیل اجازه دادن به پسر ۱۲ ساله خود به عنوان کودک سرباز برای داعش به ۶ سال زندان محکوم شده بود. دادگاه تأکید کرد: «سیستم جامع بردگی یکی از عناصر حیاتی بود که توسط داعش در جنایات علیه مردم ایزدی اجرا شد و این زن می‌بایست به ۱۶ سال زندان محکوم می‌شد اما دادگاه با در نظر گرفتن حکم قبلی، این حکم را ۱۲ سال تعیین کرد.»

حمله بزرگ روسیه به مراکز نظامی اوکراین صدها نظامی کشته شدند

بنابر اعلام وزارت دفاع روسیه، در یک حمله بزرگ موشکی، زیرساخت‌های نظامی و انبارهای ذخیره پهپادهای اوکراین نابود و صدها نظامی این کشور کشته شدند.

وزارت دفاع روسیه اعلام کرد که در یک حمله بزرگ موشکی، زیرساخت‌های نظامی و انبارهای ذخیره پهپادها در اوکراین را هدف قرار داده است. در گزارش وزارت دفاع روسیه در این‌باره آمده است: «این کشور ضمن حمله به زیرساخت‌های نظامی و انبارهای ذخیره پهپاد در اوکراین، در منطقه عملیاتی گروه نبرد «زاپاد» اوکراین حدود ۲۱۰ نظامی اوکراینی را از بین برده است.» به گزارش ایسنا به نقل از وزارت دفاع روسیه، علاوه بر این، در منطقه عملیاتی گروه نبرد «تسنتر» اوکراین، تا ۵۱۰ سرباز و چهار خودروی زرهی اوکراینی از بین رفتند و در منطقه عملیاتی گروه نبرد «یوگ»، تا ۲۱۵ نظامی اوکراینی کشته شدند. وزارت دفاع روسیه همچنین اعلام کرد که نیروی هوایی روسیه ۲ بمب هدایت‌شونده «هامر»، ۱۲ موشک «هایمارس» و ۶۶ پهپاد اوکراینی را سرنگون کرده است.

نگاه

جنگ ترامپ برای دفاع از آپارتاید از آفریقای جنوبی تا فلسطین

مترجم: سیدمحمد امین آبادی

دستور اجرائی «دونالد ترامپ»، برای تعلیق کمک‌ها به آفریقای جنوبی به بهانه مصادره زمین‌های اقلیت سفید پوست این کشور به‌عنوان یک مداخله عادلانه و اخلاقی از سوی وی جلوه داده شد. او خود را مدافع اقلیتی تحت فشار نشان داد و با اعمال تحریم‌ها، دولتی را که به تبعیض نژادی متهم می‌کرد، مجازات کرد. اما حقیقت بسیار پیچیده‌تر و خطرناک‌تر است و ربطی به عدالت ندارد، بلکه تلاشی است برای محافظت از آخرین بقایای آپارتاید، تقویت استعمارگری مهاجران و حفظ نظم جهانی که برتری نژادی و سرزمینی را تداوم می‌بخشد. ترامپ در این اقدام تنها نبود. پشت سر او دو نیروی قدرتمند شامل شبکه‌ای از میلیاردرهای لیبرتارین با پیوندهایی در دوران آپارتاید آفریقای جنوبی و لابی طرفدار رژیم اسرائیل قرار داشتند. هر دو گروه مدت‌ها در حفظ نظام‌های سلطه‌ی نژادی و سرزمینی سرمایه‌گذاری کرده‌اند. ایلان ماسک برجسته‌ترین چهره در میان آن‌هاست. او تنها یک میلیاردر و چهره شناخته‌شده «تسلا» و «اسپیس‌ایکس» نیست، بلکه یکی از افراد کلیدی در گروه موسوم به «مافیای پی‌پال» محسوب می‌شود؛ حلقه‌ای بسته از لیبرتارین‌های فوق‌ثروتمند، که بسیاری از آن‌ها از نخبگان سفیدپوست آفریقای جنوبی هستند.آنها وارثان مدرن یک پروژه استعماری هستند که هرگز به‌طور کامل برچیده نشد. در سیستمی رشد کرده‌اند که سلسله مراتب نژادی و اقتصادی را به‌عنوان قانون طبیعی تلقی می‌کند و اکنون با ثروت و نفوذ خود برای حفظ این میراث تلاش می‌کنند. مخالفت آن‌ها با اصلاحات ارضی در آفریقای جنوبی هیچ ارتباطی با عدالت ندارد؛ بلکه تلاشی است برای حفظ وضعیتی که در آن، حتی پس از پایان رسمی آپارتاید، زمین همچنان در اختیار سفیدپوستان باقی بماند.

نکته طعنه‌آمیز ماجرا اینجاست: حمایت عمومی ایلان ماسک از تئوری‌های توطئه یهودستیزانه و استفاده او از نمادهای نازی تأثیر چندانی بر جایگاهش در میان نخبگان طرفدار اسرائیل نگذاشته است. ماه گذشته، زمانی که او در یک سخنرانی در واشنگتن به نظر می‌رسید که سلام نازی می‌دهد، خشم عمومی برانگیخته شد، اما به‌جای محکومیت، نخست‌وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیاهو، به دفاع از او برخاست. نتانیاهو «ماسک» را «دوست بزرگ اسرائیل» خوانده است. ماسک ممکن است با نمادهای نازی بازی کند، اما تا زمانی که از آپارتاید اسرائیل حمایت می‌کند، همچنان برای آن‌ها مفید خواهد بود. در کنار این طبقه میلیاردر، «میریام ادلسون»، بزرگ‌ترین حامی مالی ترامپ و یکی از معماران سیاست‌های او در قبال اسرائیل قرار دارد. او بیش از ۱۰۰ میلیون دلار به کارزار انتخاباتی ترامپ کمک کرده است. او اخیراً در مصاحبه‌ای درباره‌ی «کار ناتمام» ترامپ در اسرائیل صحبت کرد و آشکارا از الحاق کرانه باختری به رژیم اسرائیل دفاع کرد. برای او، ترامپ کلید تحقق چشم‌اندازی از توسعه‌طلبی اسرائیل است که دهه‌ها در دست طراحی بوده است. این تصادفی نیست که این دو نیرو- میلیاردرهای لیبرتارین با ریشه‌های آفریقای جنوبی و لابی طرفدار اسرائیل- پشت سیاست‌های آپارتایدی ترامپ ایستاده‌اند. اتحاد آن‌ها جدید نیست، بلکه ریشه‌های عمیقی در تاریخ دارد. دهه‌ها، اسرائیل و آفریقای جنوبی دوران آپارتاید با ایدئولوژی مشترک و منافع متقابل به یکدیگر گره خورده بودند. زمانی که جهان به آفریقای جنوبی پشت کرد، اسرائیل وفادارترین متحد آن باقی ماند. پشت پرده، این رابطه بسیار عمیق‌تر بود. اسرائیل به ساخت صنعت تسلیحاتی آفریقای جنوبی کمک کرد و در ازای تأمین مالی، فناوری‌های نظامی در اختیار رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی قرار داد. این دو حکومت با همکاری یکدیگر سیستم‌های نظامی، شبکه‌های اطلاعاتی، و مهم‌تر از همه، برنامه هسته‌ای آفریقای جنوبی را توسعه دادند. این یک راز آشکار بود: اسرائیل دانش فنی را تأمین می‌کرد، آفریقای جنوبی هزینه آن را می‌پرداخت. پیوند ایدئولوژیک آن‌ها نیز به همین وضوح بود. دولت آپارتاید آفریقای جنوبی هیچ تلاشی برای پنهان کردن دیدگاه‌های خود نکرد و در یک نشریه رسمی اعلام کرد: «اسرائیل و آفریقای جنوبی بیش از هر چیز یک نقطه مشترک دارند: هر دو در جهانی عمدتاً خصمانه، مملو از مردمانی سیاه پوست، واقع شده‌اند».

این اتحاد تنها زمانی فرو پاشید که آپارتاید در آفریقای جنوبی به طور رسمی پایان یافت. اما ایدئولوژیِ بنیادین آن یعنی باور به برتری نژادی، حق یک گروه منتخب برای تصرف زمین و حکومت بر دیگران از بین نرفت. بلکه تکامل یافت، حامیان جدیدی پیدا کرد و پشتیبانان سیاسی تازه‌ای به دست آورد.

حمله ترامپ به آفریقای جنوبی هیچ ارتباطی با آزادی اقتصادی یا عدالت ندارد. هدف اصلی او دفاع از پیامدهای آپارتاید است. در کانون دستور اجرائی او، قانون سلب مالکیت آفریقای جنوبی قرار دارد؛ قانونی که با هدف اصلاح قرن‌ها سلب مالکیت زمین از سیاه‌پوستان تصویب شده است. برای نسل‌ها، سیاه‌پوستان آفریقای جنوبی به‌طور سیستماتیک از زمین‌های خود رانده شدند و مجبور به زندگی در مناطق فقیر و بایر موسوم به «سرزمین‌های بومی» شدند، درحالی‌که مهاجران سفیدپوست، حاصلخیزترین زمین‌های کشور را تصاحب کردند. حتی امروز، سه دهه پس از سقوط آپارتاید، حدود ۷۵ درصد از زمین‌های کشاورزی خصوصی همچنان در اختیار سفیدپوستان است، درحالی‌که آن‌ها تنها ۷ درصد از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. واکنش ترامپ به این قانون تحریم بود. از نظر او آفریقای جنوبی باید به‌خاطر تلاش برای اصلاح بی‌عدالتی‌های تاریخی، مجازات شود. مالکان سفیدپوست باید در نقش قربانی ظاهر شوند. اما همین ترامپ که بازتوزیع زمین در آفریقای جنوبی را محکوم می‌کند، در دوران سیاسی خود همواره تصرف زمین‌های فلسطینیان توسط اسرائیل را تأیید کرده است. ریاکاری او به همین‌جا ختم نمی‌شود. او حق آفریقای جنوبی برای تصمیم‌گیری درباره زمین‌هایش را انکار می‌کند، درحالی‌که خود، آشکارا به دنبال تسلط بر سرزمین‌های خارج از آمریکا است. او پیش‌تر ایده خرید «گرینلند» از دانمارک را مطرح کرده، درباره تصرف کانادا صحبت کرده، تصاحب کانال پاناما را بررسی کرده، و اکنون بی‌پروا درباره مالکیت بر غزه سخن می‌گوید.

ترامپ خود را با افراطی‌ترین جاه‌طلبی‌های ارضی اسرائیل همسو کرده و اعلام کرده است که اسرائیل «نقطه‌ای کوچک» در خاورمیانه است و باید گسترش یابد. او در کنار افراط‌گرایانی مانند «بزالل اسموتریچ»، وزیر دارایی اسرائیل، ایستاده است؛ کسی که آشکارا از گسترش اسرائیل از نیل تا فرات حمایت می‌کند. او همچنین در کنار «دانیلا وایس»، یکی از رهبران شهرک‌نشینان، قرار دارد که حتی الحاق بخش‌هایی از عربستان سعودی را در چشم‌انداز خود می‌بیند. همین مردی که اصرار دارد آفریقای جنوبی نباید الگوهای استعماری مالکیت زمین را تغییر دهد، مشتاقانه نقشه‌ها را برای جاه‌طلبی‌های امپریالیستی خود بازنویسی می‌کند. در اسرائیل، رهبران جناح راست افراطی آشکارا از توسعه فراتر از کرانه باختری- به سمت اردن، مصر و حتی عربستان سعودی- صحبت می‌کنند. این دیدگاه‌ها حاشیه‌ای نیستند، بلکه به جریان اصلی تبدیل شده‌اند. نظرسنجی‌های اخیر نشان می‌دهد که حدود ۸۰ درصد از صهیونیست‌ها از انتقال اجباری جمعیت غزه حمایت می‌کنند، درحالی‌که تنها ۳ درصد از یهودیان اسرائیلی آن را غیراخلاقی می‌دانند. ترامپ نه‌تنها در برابر این سیاست‌ها سکوت نکرده، بلکه پرچمدار آن‌ها شده است. او درحالی‌که ادعا می‌کند در آفریقای جنوبی از زمین‌داران سفیدپوست محافظت می‌کند، در اسرائیل شهرک‌نشینان غیرقانونی را تشویق و تقویت می‌کند. او برای سفیدپوستان آفریقای جنوبی پناهندگی ارائه می‌دهد، اما فلسطینیان را از ورود به آمریکا منع می‌کند.

تصادفی نبود که آفریقای جنوبی پیشگام شد و اسرائیل را به دادگاه بین‌المللی کیفری کشاند و آن را به نسل‌کشی در غزه متهم کرد. این دعوای حقوقی تنها یک چالش قضائی نیست، بلکه یک اقدام مقاومتی قاطع است؛ اقدامی که تعهد تزلزل‌ناپذیر آفریقای جنوبی به مبارزه با سرکوب را به نمایش می‌گذارد و پیوندهای عمیق و گسست‌ناپذیر میان مبارزات علیه آپارتاید و استعمار را برجسته می‌کند. اما این شجاعت بهائی دارد. ترامپ و لابی اسرائیل مصمم‌اند که آفریقای جنوبی را به‌خاطر این اقدام مجازات کنند. مردم آفریقای جنوبی، آپارتاید را وقتی ببینند، می‌شناسند. «جان دوگارد»، وکیل برجسته اهل آفریقای جنوبی و گزارشگر پیشین حقوق بشر سازمان ملل، یک مقایسه روشن ارائه کرد:«آپارتاید تماماً درباره زمین بود». به گفته وی آپارتاید بر اساس اختصاص بهترین زمین‌های کشور به سفیدپوستان بنا شده بود، درحالی‌که سیاه‌پوستان را به محروم‌ترین و غیرقابل‌سکونت‌ترین مناطق تبعید می‌کرد. همان الگوی تصرف زمین اکنون در فلسطین تکرار می‌شود.

«نلسون ماندلا» که به‌خوبی از ریشه‌های مشترک سلطه استعماری آگاه بود، هیچ‌گاه تردیدی در این مسئله باقی نگذاشت. سخنان او همچنان به‌عنوان ندایی برای عدالت طنین‌انداز است:«آزادی ما بدون آزادی فلسطینیان ناقص است». مسئله اصلی این نیست که آیا آفریقای جنوبی به‌خاطر به چالش کشیدن آپارتاید مجازات خواهد شد و یا این که آیا اسرائیل تمام حاکمیت را بر سرزمین‌های اشغالی به دست خواهد آورد. پرسش واقعی این است که آیا جهان بار دیگر اجازه خواهد داد که استعمار، نژادپرستی و آپارتاید دوباره به‌عنوان اصول و قواعد حاکم بر روابط بین دولت‌ها پذیرفته شوند؟ چرا که از ژوهانسبورگ تا غزه، از پرتوریا تا کرانه باختری، این مبارزه یکی است.

منبع: میدل‌ایست آی

«ایلان ماسک»، چالش بزرگ این روزها در آمریکا مخالفت‌ها با این وزیر به اوج رسید

سرویس خارجی-

«ایلان ماسک»، اَبَرمیلیاردر آمریکایی این روزها به یک چالش بزرگ در این کشور تبدیل شده و اقدامات وی -که با حمایت ترامپ انجام می‌شود- و به شکل اخراج گسترده نیروها و کاهش هزینه نهادها بروز یافته است، با مخالفت‌های گسترده‌ای مواجه شده است.

این روزها همه خبرها در آمریکا به «ایلان ماسک» ختم می‌شود. بسیاری در آمریکا این ابرسرمایه‌دار و صاحب شرکت تسلا را رئیس‌جمهور واقعی این کشور می‌دانند. اطلاعات منتشر شده از سوی کمیته انتخابات آمریکا نشان می‌دهد که «ایلان ماسک» در انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر این کشور بیشترین سرمایه‌گذاری را داشته و در بازه زمانی کوتاهی شاهد ثمردهی این سرمایه‌گذاری بوده است.

بر اساس گزارش‌ها «ماسک»، بزرگ‌ترین حامی مالی انتخابات ۲۰۲۴ بوده و دست‌کم ۲۸۸ میلیون دلار به کمپین انتخاباتی «دونالد ترامپ» کمک کرده است. روزنامه «واشنگتن پست» با استناد به داده‌های کمیسیون فدرال انتخابات آمریکا در این باره نوشت، میزان حیرت‌انگیز هزینه‌های سیاسی ماسک در سال ۲۰۲۴، جایگاه او را در شبکه نزدیکان ترامپ تثبیت کرده است، تا حدی که برخی از منتقدان، او را رئیس‌جمهور آمریکا می‌دانند. بر اساس این گزارش، سرمایه‌گذاری ماسک در انتخابات ۲۰۲۴ آمریکا تاکنون سود هنگفتی برای او به همراه داشته است، تا جایی که بر اساس تخمین‌ها، ارزش دارایی‌های ماسک از زمان پیروزی ترامپ به بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار افزایش یافته است. بر اساس این گزارش، ارزش سهام این شرکت خودروسازی از زمان انتخابات حدود ۷۰ درصد افزایش یافته و ثروت ماسک را به‌شدت بالا برده است. ثروت ماسک تا اواسط دسامبر(آذر) حدود ۴۴۲ میلیارد دلار برآورد شده است.

مداخلات ماسک در امور نهادهای مختلف آمریکا از پنتاگون گرفته تا سیا و وزارت خارجه خشم دموکرات‌ها، رسانه‌های آمریکایی و حتی اطرافیان ترامپ را برانگیخته است. مجله تایم هم هفته گذشته با اشاره به قدرت روزافزون ماسک در دولت دوم ترامپ عملاً وی را رئیس‌جمهور آمریکا دانسته و تصویری از ایلان ماسک را در پشت میز دفتر کار کاخ سفید روی جلد خود منتشر کرده بود. همزمان با گزارش مجله تایمز دادستان‌های دموکرات نیز در ۱۹ ایالت آمریکا با ثبت شکایتی، دونالد ترامپ و وزارت خزانه‌داری آمریکا را به نقض قوانین فدرال به دلیل دسترسی دادن به دستیارهای ایلان ماسک به پایگاه داده‌های حساس پرداخت‌های فدرال متهم کردند.

ایلان ماسک چه می‌کند؟

طبق گزارش «دویچه وله» آلمان، مأموریت ماسک در دولت جدید آمریکا «کارآمدسازی» تعریف شده و وزارتی را هم به همین نام راه‌اندازی کرده‌اند. مأموریتی که بلافاصله با برچیدن برخی از نهادهای دولتی آغاز شده است. این گزارش می‌افزاید: «پس از بستن اداره فدرال کمک‌های توسعه و عمرانی اکنون نوبت به اداره حفاظت مالی از مصرف‌کنندگان رسیده است. روز جمعه گذشته کارکنان تیم ایلان ماسک بدون هیچ هشدار و اطلاعیه قبلی در مقر این نهاد حضور یافتند. روز شنبه گذشته به کارکنان اداره حفاظت مالی مصرف‌کنندگان ابلاغ شد که این نهاد تعطیل شده است و روز دوشنبه(۲۲ بهمن) نیز آنان از امکان ورود به محل کارشان محروم شدند». دویچه وله می‌افزاید: «البته مقاومت در برابر اقدامات و دستورات متعدد ترامپ روز به روز بیشتر می‌شود. تاکنون بیش از ۴۰ مورد شکایت از فرمان‌های ترامپ به دادگاه‌ها ارائه شده که برخی از آن‌ها موفقیت‌آمیز بوده‌اند. به گفته کارشناسان حقوقی، دونالد ترامپ اجازه بستن ادارات فدرال و همچنین مسدودکردن پول‌ها را دست‌کم بدون رایزنی و بحث با کنگره ندارد. البته سال‌ها طول خواهد کشید تا هر یک از موارد تمامی مراحل قضائی تا دیوان عالی آمریکا طی کنند.»

حمایت قاطع ترامپ از ماسک

علی‌رغم همه این انتقادها و فشارها به ترامپ برای محدودکردن قدرت ماسک، گوش ترامپ فعلاً به این حرف‌ها بدهکار نیست. ترامپ در جدیدترین اقدام خود، برای تثبیت قدرت روزافزون ماسک طی صدور یک فرمان اجرائی، آژانس‌های فدرال را موظف کرده است که با اقدامات ماسک، در وزارت کارآمدی دولت برای کاهش تعداد نیروهای کار جهت کاهش هزینه‌های دولتی همراهی کنند. به گزارش راشاتودی، فرمان اجرائی ترامپ که در تاریخ ۱۱ ماه فوریه(۲۳ بهمن) امضا شده است، آژانس‌های فدرال را موظف می‌کند تا روند استخدام را به موقعیت‌های ضروری محدود سازند و برای کاهش نیروی کار در بخش‌های مختلف وارد عمل شوند. ماسک روز سه‌شنبه با حضور در دفتر ترامپ در کاخ سفید از ابتکار عمل خود در وزارت کارآمدی دولت دفاع کرده و بر این موضوع تأکید کرد که مردم آمریکا به اصلاحات اساسی در دولت ترامپ رای داده و خواستار چنین اصلاحاتی هستند.

ماسک اقدام برای کاهش هزینه‌های فدرال را نه اختیاری بلکه ضروری و الزامی دانسته و بیان کرد: «برای آمریکا این موضوع حائز اهمیت است که یک کشور توانمند باشد.» ماسک با انتشار پستی در شبکه اجتماعی ایکس(توئیتر سابق) هم نوشت: «ما باید کسری ۲ تریلیون دلاری بودجه را تأمین کنیم. اگر کاری در این زمینه انجام ندهیم، کشورمان دچار ورشکستگی می‌شود. بر اساس فرمان اجرائی ترامپ، نهادهای حکمرانی در آمریکا به ازای هر چهار نفری که این نهادها را ترک می‌کنند، صرفاً ملزم به استخدام یک نفر هستند. در این رابطه، نهادهای مرتبط با امنیت عمومی و مهاجرت و نهادهای اجرای قانونی، مستثنی هستند.»

تأثیرات داخلی و خارجی اقدامات ترامپ

تحلیلگران سیاسی در آمریکا اعتقاد دارند که اقدامات ترامپ در داخل و خارج این کشور می‌تواند موجب بی‌ثباتی جهان و حتی از بین بردن قانون اساسی این کشور شود.

به گزارش ایرنا به نقل از سی‌ان‌ان، قبل از شروع دوره دوم ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، فرض بر این بود که او در عمل به وعده‌هایش ممکن است تا حدودی زیاده‌روی کند ولی حتی خرج میلیاردها دلار بودجه کنگره و اعطای مجوز به ایلان ماسک برای نابودکردن بخشی از دولت حتی در نظریه‌های دانشکده‌های حقوق هم قابل پیش‌بینی نبود.

این گزارش می‌افزاید: ترامپ هر روز با اقداماتش چهره جدیدی از یک رئیس‌جمهور جدید در کاخ سفید نشان می‌دهد و در واقع برای گسترش قدرت اجرائی خود حتی با ثبات جهانی نیز قمار می‌کند. اخراج کارمندان دولتی در کشورهای دیگر شاید کمی قابل تصور بود ولی پیشنهاد اخراج فلسطینی‌ها از غزه به مصر و اردن که ممکن است توافق کمپ دیوید را تهدید کند، را هیچ تحلیلگر افراطی در حزب جمهوری‌خواه نیز پیش‌بینی نمی‌کرد. هیچ‌کس در آمریکا تا قبل از ترامپ، کانادا را تهدید به الحاق نکرده بود و حتی برای ادامه حمایت از اوکراین تصاحب مواد معدنی کمیاب این سرزمین را پیشنهاد نکرده بود. ترامپ همه این کارها را در حالی انجام می‌دهد که خطر بحران‌های خارجی و حتی داخلی انتظار می‌رود. سی‌ان‌ان می‌افزاید: در داخل کشور نیز ترامپ در چند جبهه، حاکمیت قانون را تهدید می‌کند و تنها با گذشت سه هفته از دوره ریاست‌جمهوری او، بسیاری از تحلیلگران حقوقی معتقدند که کشور به سمت یک بحران بی‌سابقه برای تخریب قانون اساسی پیش می‌رود. این نگرانی‌ها وقتی جدی می‌شود که اطرافیان ترامپ نیز مثلاً جی‌دی‌ونس معاون وی سعی می‌کنند قوانین قانون اساسی و دستورات قضات فدرال را نادیده و بی‌اهمیت جلوه دهند. هرچند هنوز برخی چهره‌های سیاسی حزب جمهوری‌خواه اصرار دارند که محدودیت‌های سنتی بر رؤسای جمهور در دوران ترامپ نیز باقی خواهد ماند.

اخراج بازرس کل

خبر دیگر این که در پی گزارش انتقادی آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا از عملکرد دولت ترامپ، بازرس کل این سازمان از سوی ترامپ اخراج شد. شبکه آمریکایی «ان‌بی‌سی نیوز» گزارش کرد که ترامپ پل مارتین را یک روز پس از آنکه دفتر او گزارشی منتشر کرد که به بررسی پیامدهای منفی اقدامات رئیس‌جمهور آمریکا و دولت او در رابطه با آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا (USAID) پرداخته بود، برکنار کرد. گزارش انتقادی این سازمان از عملکرد دولت ترامپ شامل تهدیدهایی مرتبط با کاهش کارکنان این سازمان و عدم نظارت، همچنین ابهاماتی درخصوص میزان و زمان تعلیق کمک‌های خارجی ایالات متحده می‌شود.

سی‌ان‌ان گزارش می‌دهد: جهش سازمان‌یافته نفرت‌پراکنی علیه مسلمانان در هند

سرویس خارجی-

بر اساس گزارشی تحقیقاتی که «سی.ان.ان» منتشر کرده است، اقلیت‌های مذهبی هند طی سال گذشته با افزایش «سرسام‌آور» سخنان نفرت‌انگیز، از جمله از سوی رهبران ارشد حزب ملی‌گرای حاکم، مواجه بوده‌اند.

مسلمانان هند، با جمعیتی حدود ۲۰۰ میلیون نفر (بر اساس سرشماری‌های غیررسمی ۲۰۲۳)، بزرگ‌ترین اقلیت دینی این کشور و دومین جامعه مسلمان بزرگ جهان پس از اندونزی هستند. با این حال، این جمعیت گسترده همواره با تبعیض(که شاید بتوان آن را تبعیض سیستماتیک نامید) و خشونت‌های فرقه‌ای مواجه بوده است. در سال‌های اخیر، با روی کار آمدن حزب بهاراتیا جاناتا(BJP) و سیاست‌های هندوتوایی آن، فشارها بر مسلمانان افزایش یافته است. قانون اصلاح شهروندی(CAA) مصوب ۲۰۱۹، که به اقلیت‌های غیرمسلمان کشورهای همسایه حق شهروندی می‌دهد، اما مسلمانان را مستثنی می‌کند، نمونه‌ای از این تبعیض است. همچنین، حوادثی مانند شورش‌های دهلی در ۲۰۲۰ و حملات مکرر به جوامع مسلمان نشان‌دهنده افزایش اسلام‌هراسی سازمان‌یافته است. افزون بر این، محدودیت در حجاب در برخی ایالت‌ها، تخریب منازل و کسب‌وکارهای مسلمانان تحت عنوان اقدامات قانونی، و حذف آثار اسلامی از کتب درسی، بخشی از سیاست‌های تبعیض‌آمیز دولت است. با وجود این، مسلمانان هند همچنان نقش مهمی در سیاست، اقتصاد، و فرهنگ این کشور ایفا می‌کنند، اما نگرانی‌ها در مورد کاهش آزادی‌های مذهبی و حقوق شهروندی آن‌ها رو به افزایش است.

حالا «سی.ان.ان» نوشته است، بر اساس گزارش گروه تحقیقاتی مستقر در واشنگتن به نام «India Hate Lab» تعداد سخنان مشوق نفرت که اقلیت‌های مسلمان و مسیحی را هدف قرار می‌دهند، از ۶۶۸ مورد در سال ۲۰۲۳ به ۱۱۶۵ مورد در سال ۲۰۲۴ افزایش یافته است که یک جهش ۷۴ درصدی را نشان می‌دهد. اکثریت این موارد، یعنی چیزی حدود ۹۸ درصد، مسلمانان را هدف قرار داده است. مواضع «نفرت پراکن» در هند در سال ۲۰۲۴ یک مسیر هشدار دهنده را دنبال کرده که عمیقاً با جاه‌طلبی‌های ایدئولوژیک حزب حاکم بهاراتیا جاناتا و در سطح بالاتر - جنبش ملی‌گرای هندو- در هم تنیده بود. در این میان شخص نخست‌وزیر «ناریندرا مودی» نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش نفرت علیه اقلیت‌ها به خصوص مسلمانان دارد. مؤدی که در انتخابات سال گذشته برای سومین بار پیروز شد، مدت‌هاست توسط منتقدان به دامن زدن به تنش‌های مذهبی و تحریک خشونت علیه مسلمانان و سایر اقلیت‌ها متهم شده است. منتقدان می‌گویند هند در قانون اساسی یک کشور «سکولار» و غیرمذهبی است اما از یک دهه پیش که مؤدی و حزبش به قدرت رسیده‌اند این کشور عملاً به مکان تاخت‌وتاز گروه‌های افراطی و هندو تبدیل شده که جایی برای اقلیت‌ها در آن نیست. آن‌طور که «شفقنا» نوشته است، براساس این گزارش سالیانه، هندوهای افراطی از واژگانی چون بیگانه‌ها، خارجی‌ها و متجاوزانِ غیرهندی برای توصیف مسلمانان و مسیحیان استفاده کرده‌اند. این گزارش تأکید می‌کند اعضای حزب حاکم حدود ۳۰ درصد از سخنان نفرت‌پراکن سال گذشته را سازماندهی کرده‌اند که تقریباً ۶ برابر نسبت به سال قبل افزایش داشته است و رهبران حزب حاکم نیز ۴۵۲ سخنرانی نفرت‌پراکن کردند که ۳۵۰ درصد نسبت به سال قبل افزایش داشته است.

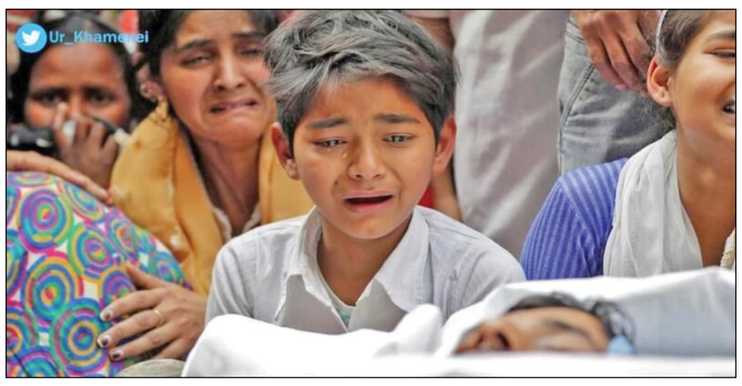

گفتنی است، افزایش چشمگیر سخنان نفرت‌پراکن علیه مسلمانان در هند، آن هم در سایه حکمرانی حزب بهاراتیا جاناتا و نخست‌وزیری ناریندرا مودی، نشان از تغییر نگران‌کننده فضای اجتماعی و سیاسی این کشور دارد. روند رو به رشد سیاست‌های اسلام‌ستیزانه، از جمله اصلاحات تبعیض‌آمیز در قوانین شهروندی، محدودیت‌های مذهبی، و افزایش خشونت‌های فرقه‌ای، نه‌تنها اصل موسوم به «سکولاریسم» مندرج در قانون اساسی هند را زیر سؤال برده، بلکه زمینه‌ساز تضعیف همزیستی مسالمت‌آمیز در این کشور چندفرهنگی شده است. تجربه تاریخی نشان داده است که سیاست‌های مبتنی بر نفرت، در بلندمدت پیامدهای فاجعه‌باری برای یک جامعه دارد؛ از افزایش نارضایتی داخلی گرفته تا احتمال درگیری‌های گسترده‌تر. هند به عنوان یکی از قدرت‌های نوظهور جهانی، برای حفظ جایگاه خود در عرصه بین‌المللی، نیازمند اتخاذ سیاست‌هایی است که به وحدت ملی و احترام به حقوق اقلیت‌ها بینجامد، نه سیاست‌هایی که تنها موجب تعمیق شکاف‌های اجتماعی و دینی شود. این مطلب اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند وقتی توجه کنیم این اقلیت ۲۰۰ میلیون جمعیت دارد و هیچ طوری قابل حذف نیست.

همچنین مسلمانان هند نه‌تنها امروز یکی از بزرگ‌ترین اقلیت‌های این کشور را تشکیل می‌دهند، بلکه در طول تاریخ، نقشی اساسی در استقلال هند از استعمار انگلیس ایفا کرده‌اند. از جنبش استقلال‌طلبانه هند در قرن نوزدهم تا تشکیل کنگره ملی هند، رهبران مسلمان در کنار همتایان هندو و سیک‌مذهب خود، علیه استعمارگران مبارزه کردند. یکی از برجسته‌ترین چهره‌های این دوران «مولانا ابوالکلام آزاد» بود که به عنوان یکی از رهبران کنگره ملی هند و اولین وزیر آموزش این کشور، نقشی اساسی در مبارزه برای آزادی و همچنین تقویت وحدت ملی ایفا کرد. همچنین، «خان عبدالغفار خان»، که به «گاندی سرخ» معروف بود، با تأسیس جنبش صلح‌آمیز «خدای خدمتگار» علیه استعمار انگلیس جنگید و از طرفداران استقلال هند یکپارچه بود. مسلمانان در جنبش «نهضت خلافت» (۱۹۱۹-۱۹۲۴) نیز نقشی محوری داشتند که در همراهی با جنبش عدم همکاری «مهاتما گاندیِ» بزرگ، فشار گسترده‌ای بر انگلیس وارد کرد. اما با وجود این مشارکت پُررنگ، پس از استقلال در سال ۱۹۴۷، تقسیم هند و پاکستان، شکاف عمیقی میان جوامع مسلمان و هندو ایجاد کرد. امروز، در حالی که مسلمانان همچنان بخش جدایی‌ناپذیر از هویت تاریخی و فرهنگی هند هستند، با چالش‌های جدیدی در زمینه حقوق شهروندی، تبعیض سیستماتیک و افزایش نفرت‌پراکنی مواجه‌اند که آینده همزیستی در این کشور را با پرسش‌های جدی روبه‌رو کرده است.

گزارش خبری تحلیلی کیهان

جنگ غزه، و آتش‌بسی که به «مو» بسته است

سرویس خارجی-

کمتر از یک ماه پس از آغاز آتش‌بس موقت در غزه و به دنبال بدعهدی رژیم صهیونیستی که به توقف تبادل اُسرا انجامید، حالا رژیم صهیونیستی و آمریکا می‌گویند، اگر تا تاریخی که ما مشخص می‌کنیم، همه اُسرا به‌صورت یک‌جا آزاد نشوند، جنگ را از سر می‌گیریم!

پس از ۴۷۱ روز جنگ در غزه، ۲۵ روز پیش، آتش‌بسی موقت بین رژیم صهیونیستی و حماس برقرار شد. یکی از بندهای اصلی این آتش‌بس، تبادل اُسرا به صورت هفتگی بود که تاکنون ۵ تبادل انجام گرفته است. اما از آنجایی که رژیم صهیونیستی هیچ‌گاه به تعهداتش در هیچ آتش‌بس و غیر آتش‌بسی پایبند نبوده، حملات خود به غزه را، هر چند نه مثل دوران جنگ اما، به شکل کمتر ادامه داده است. این روند آن‌قدر ادامه یافت که حماس اعلام کرد، تبادل اُسرا را متوقف می‌کند. این امر باعث خشم ترامپی شد که به شدت تحت تاثیر صهیونیست‌هاست. او اوایل هفته جاری گفت حوصله این که هر شنبه دو سه اسیر صهیونیست آزاد بشوند را ندارد و چنانچه تا ظهر روز شنبه ۲۷ بهمن ماه همه اسرای صهیونیست یک‌جا آزاد نشوند، «درهای جهنم به سوی غزه گشوده خواهد شد.» او در این مدت، بارها نیز اعلام کرده مالک و صاحب منطقه است و می‌خواهد با کوچاندن ۲ میلیون ساکن غزه، به اردن و مصر و جاهای دیگر، غزه را بخرد و در آنجا کار و کاسبی راه بیندازد! این مزخرفات، حسابی صهیونیست‌ها را ذوق‌زده کرده است. آنها که برای به قدرت رسیدن ترامپ لحظه شماری می‌کردند، پس از دیدن مواضع ترامپ گفتند، باید همه اُسرایشان تا همان روز و ساعتی که ترامپ گفته است آزاد شوند وگرنه، آتش‌بس را نقض و جنگ را از سر می‌گیرند.

بدین ترتیب در تریبون‌های رسمی رسما اعلام کردند، نه اهل مذاکره و آتش‌بس هستند و نه به وعده‌ها و توافقات عمل می‌کنند! در بحبوحه محکومیت‌های این مواضع، و ابراز نگرانی کشورهای مختلف نسبت به تبعات گستاخی‌های ترامپ و نتانیاهو درباره از سرگیری جنگ و لزوم کوچاندن ۲ میلیون فلسطینی از غزه، دیروز خبر رسید، صهیونیست‌ها دوباره غزه را هدف قرار دادند! بر اساس گزارش خبرگزاری فارس، در